

نقش کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام در دوفصلنامه فقه و قضا

هجدهمین شماره از دوفصلنامه فقه و قضا به صاحب امتیازی جامعه المصطفی العالمیه منتشر شد.

هجدهمین شماره از دوفصلنامه فقه و قضا به صاحب امتیازی جامعه المصطفی العالمیه منتشر شد.

به گزارش ایکننا، در این شماره از دوفصلنامه فقه و قضا مقالاتی با عناوین «کاربرد روانشناسی در پیشگیری از وقوع جرایم»، «نقش کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام»، «اهداف مجازاتها در سیاست جنایی اسلام»، «تَشْهیر مجازات از منظر سیاست جنایی اسلام»، «جایگاه مصلحت در سیاست جنایی اسلام» و «رکن مادی جرم جاسوسی از منظر فقه و حقوق جزای افغانستان» منتشر شده است.

کاربرد روانشناسی در پیشگیری از وقوع جرایم

در طلیعه نوشتار «کاربرد روانشناسی در پیشگیری از وقوع جرایم» آمده است: روانشناسی، جرم را ناشی از عدم تعادل روانی اشخاص به معنای عام کلمه می داند که شامل انواع اختلالات روانی، آسیب های مغزی، مشکلات روحی، و شخصیتی افراد می شود. در مورد تأثیر عوامل روانی بر نحوه رفتارهای مجرمانه همانند عوامل ژنتیکی و زیستی وحدت نظر وجود ندارد؛ ولی آنچه مسلم است، اثر عوامل روانی فردی منجر به نوعی آمادگی قبلی یا تمایلات و استعداد بالقوه در ارتکاب جرایم می گردد. لذا برای پیشگیری و درمان نیز سازکار روانشناسی در کنار سایر علوم در خور توجه است، بررسی ها بر آن است که روانشناسی در شناخت علل وقوع جرم و شناخت اختلالات غریزی و عاطفی نقش گسترده داشته و در پیشگیری از وقوع جرم و درمان اختلالات روانی نیز راهکارهای چون روان درمانی، روانکاو، رفتار درمانی، خانواده درمانی و... را پیشنهاد می کند.

نقش کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام

نویسنده مقاله «نقش کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام» در طلیعه نوشتار خود آورده است: هر نظام و کشوری برای رفع تخاصم میان مردم و نظم بخشی در امور شان، با توجه به نوع تخاصم، تدابیر خاصی را اتخاذ می نمایند. از جمله ­؛ این تدابیر، سیاست جنایی به عنوان راهبرد مبارزه با جرم است که این راهبرد تحت تأثیر دیگرگونی ­؛ های اجتماعی متحول می گردد. امروزه که کرامت انسانی و اصل انسانیت در کانون توجه جهانیان قرار گرفته و هر نظام قضایی تعریفی خودش از سیاست جنایی و کرامت انسانی دارند. دین اسلام از آغاز تشریح سیاست جنایی خودش را داشته که براساس این سیاست، به کرامت انسانی اهمیت خاص قایل گردیده است. کرامت انسانی فارغ از تمام علفه ­؛ های دینی، زبان، نژاد و انسان از آن جهت که انسان است مد نظر قرار داده شده است. کرامت انسانی در سیاست جنایی اسلام و امور قضایی و نیز نظم بخشی اجتماعی آن، از جایگاه ویژه برخوردار بوده و پیش از آن که حقوق بشر غربی به وجود بیاید، دین اسلام قرنها پیش آن را به رسمیت شناخته و فاکتورهای مانند: حق حیات، آزادی، لغو شکنجه، تبعیض، اصل برائت، حق دادخواهی عادلانه و... مورد توجه و تأیید قرار داده است.

اهداف مجازاتها در سیاست جنایی اسلام

نویسنده مقاله «اهداف مجازاتها در سیاست جنایی اسلام» در طلیعه نوشتار خود آورده است: مجازات از منظر سیاست جنایی اسلام، کیفری است که برای حفظ مصلحت جامعه و در راستای حفظ نظام اجتماعی، درمقابل سرپیچی افراد از قوانین و دستورات خداوند، برای مرتکبین جرم وضع شده است. به طور کلی مجازات های کیفری دارای اهدافی خاصی است که هم در حقوق عرفی و هم در حقوق کیفری اسلام مدنظر قرار دارد. هدف از مجازاتها در حقوق کیفری ارباب مجرم، سزا دادن، اصلاح و بازپروری، ناتوان سازی وی، عدالت ترمیمی و رضایت مجنی علیه است. اما اهدافی که سیاست جنایی اسلام در پی آن است عام تر و وسیع تر از اهداف حقوق کیفری عرفی است؛ زیرا اسلام علاوه بر اهداف دنیوی که منطبق با اهداف حقوق عرفی یا کیفری نوین هست، اهداف دیگری به عنوان اهداف اخروی نیز دارد که همان سعادت بشر در آخرت است. ازاین رو اهداف مجازاتها در سیاست جنایی اسلام در راستای برقراری قسط و عدالت، اصلاح و بازپروری مجرمین، بازدارندگی عمومی و خصوصی و هم چنین جبران خسارت بزه دیده و پاسداشت از حریم الهی و دفاع از جامعه و ارزش های آن است. تمام مکاتب اعم از وحیانی و مادی، به دنبال تأمین عدالت در بُعد فردی و اجتماعی می باشند. هیچ مکتبی نمی تواند نسبت به عدالت بی تفاوت باشد و لااقل شعار عدالت خواهی سر ندهد. مکتب اسلام که نشأت گرفته از حکمت و عدالت ربوبی است، تمام دستورها و مقررات خود را بر اساس عدالت و برای تأمین آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان تشریح نموده است که این عدالت در بُعد جزایی نمود بیش تری دارد. بدون تردید مجرم با ارتکاب جرم، از طرفی حرمت احکام الهی را می شکند و قانون دینی را نقض می کند و از طرفی دیگر به حقوق افراد و جامعه تجاوز می کند. ازاین رو از یکی از مهم ترین اهداف حقوق کیفری اسلام حفظ نظام اجتماعی

دینی است و این هدف بلند تأمین نمی شود، مگر این که انسان ها از طریق اصلاح و تربیت یا از طریق ارباب و ترس از مجازات، از ارتکاب اعمالی که ارکان نظام اجتماعی را خدشه دار می کند بازداشته شوند.

تشهیر مجازات از منظرسیاست جنایی اسلام

در طلایه نوشتار «تشهیر مجازات از منظر سیاست جنایی اسلام» آمده است: سیاست جنایی به عنوان مجموعه روش های به کارگرفته شده از سوی حکومت برای پیشگیری و کنترل پدیده مجرمانه، نشان دهنده نوع نگرش هر سیستم حکومتی به جرم، مجرم و مجازات و به نوعی حاکی از ایدئولوژی حاکم بر ارکان جامعه می باشد، اسلام به عنوان یک دین نیز از قاعده فوق مستثنا نمی باشد و سیاست جنایی اسلام بر اساس مبانی دقیقی که از نگرش صحیح به جنبه های فردی و اجتماعی انسان ناشی شده، راهبردهای مؤثر و کارآمدی را جهت کاهش آمار جرائم ارائه کرده است، تعادل میان صیانت از حقوق فردی و حفظ استمرار امنیت اجتماعی از جمله رسالت های کلیدی سیستم عدالت کیفری است که در حوزه برخی ضمانت اجراها به چالش کشیده می شود، همچنان که در پاره ای جرائم حفظ حیثیت اشخاص و امنیت روانی جامعه ایجاب می کند تا حد امکان از اعلان و افشای جرم خودداری شود در مقابل معرفی مرتکبان برخی جرایم نیز لازمه استقرار امنیت اجتماعی تلقی می گردد، تشهیر مجازات نمونه بارزی از گزاره فوق بوده که در برخی جرایم مورد اشاره فقها قرار گرفته است، نظام کیفری اسلام مجازات تشهیر را به رسمیت شناخته و در ساختار سازمان یافته و با اهدافی مشخص در بازدارندگی و پیشگیری به کار بسته است در این میان تشهیر مجازات در خصوص برخی جرایم مورد تصریح قرار گرفته است و براین اساس نوشتار حاضر ثابت نموده است که اصول کلی سیاست جنایی اسلام، رفع زمینه های ارتکاب جنایت و تحصیل هر چه بیشتر اهدافی چون بازدارندگی و پیشگیری از ارتکاب برخی جرائم را از رهگذر اعمال تشهیر مجازات میسر می داند.